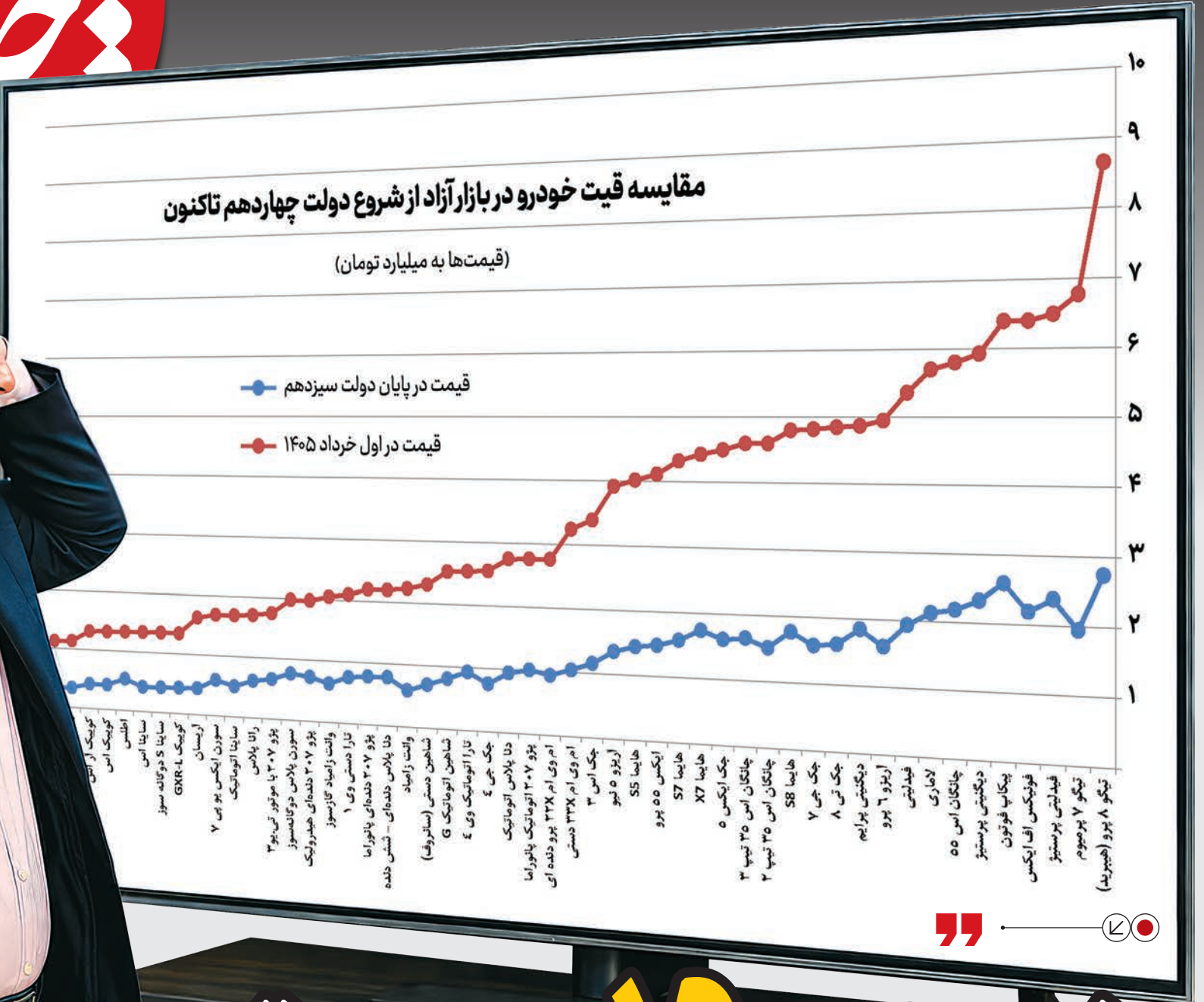


# چارسوت

## مقایسه قیمت خودرو در بازار آزاد از شروع دولت چهاردهم تاکنون

(قیمت‌ها به میلیارد تومان)



# افزایش ۱۹۰ درصدی قیمت خودرو در ۲۱ ماه

به علت ضعف دستگاه‌های نظارتی و دولتی در بازار خودرو، قیمت‌ها آنچنان بدون منطق در حال افزایش است که خرید خودرو برای جوانان، به آرزوی محال تبدیل شده است

دولت چهاردهم تاکنون یعنی طی ۲۱ ماه اخیر نزدیک به ۳ برابر شده است. در حالی که میانگین قیمت حدود ۵۰ مدل خودروی پرتیراژ تولید داخل یا مونتاژی در بازار در پایان دولت شهید رئیسی یک میلیارد و ۱۹۱ میلیون تومان بود، اکنون میانگین قیمت همان خودروها به ۳ میلیارد و ۴۲۴ میلیون تومان رسیده است.

حدود ۵۰ مدل خودروی پرتیراژ تولید داخل یا مونتاژی ۱۷ درصد بالا رفته است. متوسط افزایش قیمت خودروها نسبت به پایان دولت سیزدهم و شروع دولت چهاردهم نیز تاکنون حدود ۱۹۰ درصد بوده است. به عبارتی قیمت خودروهای پرتیراژ تولید داخل یا مونتاژی در

گرانی خودرو همچنان ادامه دارد و قیمت‌ها آنچنان میلیاردری شده که دیگر برای جوانان به یک آرزوی تقریباً محال تبدیل شده است. در حالی که اخیراً وزیر صمت وعده داد بود با افزایش تولید و فروش مستمر خودروسازان، بازار از التهاب خواهد افتاد اما مقایسه قیمت‌ها نشان می‌دهد در یک ماه اخیر قیمت

قیمت‌ها به میلیون تومان

مدل خودرو	قیمت در پایان دولت سیزدهم	قیمت فعلی
پژو ۲۰۷ اتوماتیک پانوراما	۱۰۱۲	۲۷۵۵
دنا پلاس اتوماتیک	۹۴۹	۲۷۵۰
جک جی ۴	۷۶۰	۲۵۵۰
تارا اتوماتیک وی ۴	۹۳۴	۲۵۳۵
شاهین اتوماتیک G	۸۱۰	۲۵۲۰
شاهین دستی (سانروف)	۶۹۶	۲۳۰۰
وانت زامیاد	۵۹۰	۲۲۳۰
دنا پلاس دنده‌ای - شش دنده	۷۸۷	۲۱۹۸
پژو ۲۰۷ دنده‌ای پانوراما	۷۸۴	۲۱۹۵
تارا دستی وی ۱	۷۵۳	۲۱۰۰
وانت زامیاد گازسوز	۶۳۳	۲۰۵۰
پژو ۲۰۷ دنده‌ای هیدرولیک	۷۲۹	۱۹۸۰
سورن پلاس دوگانه‌سوز	۷۶۹	۱۹۸۰
پژو ۲۰۷ با موتور تی.یو.۳	۶۶۰	۱۷۵۰
رانا پلاس	۶۱۶	۱۷۰۸
ساینا اتوماتیک	۵۰۸	۱۶۹۰
سورن ایکس یو پی ۷	۵۹۷	۱۶۸۸
آریسان	۴۴۰	۱۶۲۹
کوییک L-GXR	۴۳۴	۱۳۵۰
ساینا S دوگانه سوز	۴۲۴	۱۳۴۹
ساینا اس	۴۱۷	۱۳۴۵
اتلس	۵۳۸	۱۳۴۰
کوییک اس	۴۲۰	۱۳۳۰
کوییک آراس	۴۱۸	۱۳۲۵
سایپا ۱۵۱	۳۲۲	۱۱۳۶

قیمت‌ها به میلیون تومان

مدل خودرو	قیمت در پایان دولت سیزدهم	قیمت فعلی
تیگو ۸ پرو (هیبرید)	۲۷۴۰	۸۶۵۰
تیگو ۷ پرمیوم	۱۹۵۰	۶۷۷۰
فیدلیتی پرستیژ	۲۳۸۰	۶۴۹۰
فونیکس اف ایکس	۲۱۹۵	۶۴۰۰
پیکاپ فوتون	۲۵۹۰	۶۴۰۰
دیگنیتی پرستیژ	۲۳۳۰	۵۹۲۸
چانگان اس ۵۵	۲۱۹۰	۵۸۰۰
لاماری	۲۱۳۰	۵۷۰۰
فیدلیتی	۱۹۴۰	۵۳۶۰
آریزو ۶ پرو	۱۶۰۵	۴۹۵۰
دیگنیتی پرایم	۱۸۵۰	۴۸۷۰
جک تی ۸	۱۶۱۵	۴۸۵۰
جک جی ۷	۱۵۸۰	۴۸۲۰
هایما S۸	۱۷۷۵	۴۸۰۰
چانگان اس ۳۵ تیپ ۲	۱۵۱۷	۴۶۰۰
چانگان اس ۳۵ تیپ ۳	۱۶۵۰	۴۶۰۰
جک ایکس ۵	۱۶۱۶	۴۵۰۰
هایما X۷	۱۷۴۵	۴۴۳۰
هایما S۷	۱۵۷۵	۴۳۲۵
ایکس ۵۵ پرو	۱۴۸۵	۴۱۱۷
هایما S۵	۱۴۵۰	۴۰۲۰
آریزو ۵ نیو	۱۳۶۰	۳۹۲۰
جک اس ۳	۱۱۶۰	۳۳۹۰
ام وی ام X۳۳ دستی	۱۰۴۳	۳۲۴۰
ام وی ام X۲۲ پرو دنده‌ای	۹۴۴	۲۷۶۰

## فرشاد مؤمنی:

# حذف ارز ترجیحی به ضرر مردم شد

- تکرار شوک درمانی با نام‌های جدید، بدون عبرت از تجربه‌ها دوباره تصمیم گرفته‌اند شوک جدیدی به قیمت حامل‌های انرژی وارد کنند**
- چند بار باید یک آزمون شکست‌خورده تکرار شود؟**
- گزارش‌های رسمی دولت از اتلاف گسترده انرژی سخن می‌گویند، نه مصرف‌کنندگان اصلاح انرژی باید از ساختار تولید آغاز شود نه فشار بر مردم**
- سیاست‌های قیمتی به نام صرفه‌جویی، تشدید فقر و نابرابری است**
- هزینه ناکارآمدی تولیدکنندگان به جای اصلاح، بردوش مردم تحمیل می‌شود**
- سیاست‌های انرژی انگیزه اصلاح را از تولیدکنندگان ناکارآمد می‌گیرد**
- سیاست‌های صرفه‌جویی با واقعیت فقرگسترده در کشور در تضاد است**
- تنبیه مردم به نام صرفه‌جویی، راه‌حل بحران انرژی نیست**
- صنعت خودرو زیر سایه رانت و فساد از مسیر توسعه منصرف شده است**
- با مدیریت رانتی و غیرتخصصی، انتظار خودروسازی با کیفیت بی‌معناست**
- صنعت خودرو قربانی تغییرات مدیریتی رانتی و مداخلات فاسد است**
- سیاست صرفه‌جویی با فشار بر فقرا راه حل مشکلات اقتصادی نیست**
- سیاست‌های تورم‌زا تعرض به حقوق مالکیت اکثریت مردم است**
- ۳۷ سال تکرار چرخه شوک انرژی و ارز در اقتصاد ایران ادامه دارد**

## گزارش

فرشاد مؤمنی ، اقتصاددان اصلاح‌طلب که در

انتخابات ریاست جمهوری از مسعود پزشکیان حمایت کرد اما بعد‌ها به علت سیاست‌های دولت چهاردهم به منتقدان و تبدیل شده، در سخنرانی جدید خود مجدداً نقد‌های جدی به دولت پزشکیان وارد کرد.

به گزارش جماران، دکتر فرشاد مؤمنی ، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، با انتقاد از احتمال تکرار شوک درمانی در حوزه قیمت حامل‌های انرژی با عنوان «ضرورت صرفه‌جویی»، گفت: سیاست‌های تورم‌زا طی سه دهه گذشته، فقرا را فقیرتر، تولیدکنندگان راضعیف‌تر و مافیاهای بدهکاران بزرگ بانکی را قدرتمندتر کرده است. تکرار این سیاست‌ها با عنوان «صرفه‌جویی» یا «عدالت»، به معنای وارد کردن فشار بیشتر بر مردم تقویت ساختارهای رانتی و غیرمولد در اقتصاد ایران است. سیاست‌های تورم‌زا در سه دهه گذشته به جای اصلاح ساختارها، فشار معیشتی را بر مردم افزایش داده و در مقابل، زمینه تقویت مافیاهای و فعالیت‌های غیرمولد را فراهم کرده است. تکرار این سیاست‌ها تحت عناوینی مانند «عدالت» یا «صرفه‌جویی»، در عمل به معنای انتقال هزینه ناکارآمدی‌ها به خانوارهای کم‌درآمد و تشدید فقر گسترده است.

وی با بیان اینکه چقدر جای دریغ و تأسف دارد که ما اکنون در شرایطی به سر می‌بریم که یک دولت از تجربه‌های شکست‌خورده خودش هم پند نمی‌گیرد و دوباره سراغ کارهای نابخردهانه، مشوق اقتصاد گنگ‌سنجی و سلبه‌های مافیای می‌رود، اضافه‌فای رانفی نمی‌کند، اما مسئله این است که نیت خوب دارند تفاوت معناداری با کسانی که نیت بد دارند نخواهد کرد. اکنون با گروه‌های مافیایی مواجه هستیم که هر زمان به آنها گفته می‌شود از تجربه‌های گذشته پند بگیرید، پاسخ می‌دهند که «شمار» ۵۰ سال پیش مانند «ایده» و به تغییرات توجه ندارند؛ در حالی که بحثی که مطرح شد این نیست که کسی بخواهد مثل یک فرد ناگاه، مو به مو از گذشته تقلید کند، بلکه مسئله این است که از اصول و مبانی یاد بگیریم و شرایط و اقتضات زمانه را نیز در آن لحاظ کنیم. هیچ‌کس پویایی، خلاقیت و تغییر شرایط را نفی نمی‌کند، اما مسئله این است که از نخستین تجربیات بشری تا امروز، تمام فراز و فرودها از یک سلسله‌اصول ثابت تبعیت کرده‌اند. بحث بر سر این است که آن اصول ثابت را بشناسیم و آن را بر محور عدالت و امنیت حقوق مالکیت بردگری کنیم.

**تکرار شوک درمانی با نام‌های جدید، بدون عبرت از تجربه‌ها**
رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد با بیان این عقیده که نظام سیاست‌گذاری ما تا حدود زیادی طی ۳۸٫۳ سال گذشته به تسخیر مافیاهای درآمده و قاعده‌گذاری هایش، حتی اگر با حسن نیت هم انجام شود، در راستای تقویت منافع مافیاهای عمل می‌کند، یادآور شد: یک یوز می‌کوند باید شوک درمانی کنیم چون در «پیچ خطرناک» قرار داریم. این در حالی است که ماطی ۳۷ سال گذشته، سالی چند بار از «پیچ خطرناک» عبور کرده‌ایم و هر بار نیز فاجعه انسانی پدید آمده، اما نه‌فهمی رخ داده‌و نه عبرتی حاصل شده‌است. کسی که زخم‌ها التیام پیدا می‌کند، دوباره همان سبب‌ها را با نامی جدید تکرار می‌کنند. حتی صریح می‌گویند که ما در حال جراحی هستیم و جراحی هم خونریزی دارد؛ یعنی به این شکل خونریزی را مباح جلوه می‌دهند.

**دوباره تصمیم گرفته‌اند شوک جدیدی به قیمت حامل‌های انرژی وارد کنند**
مؤمنی در ادامه با اشاره به سیاست‌های مربوط به قیمت حامل‌های انرژی، گفت: دوباره تصمیم گرفته‌اند شوک جدیدی به قیمت حامل‌های انرژی وارد کنند. دفعات قبل می‌گفتند هدف ما عدالت است، در حالی که شما می‌توانید تریلی تریلی از ذخیره‌دانیی بشمار مرور کنید و ببینید هیچ‌انسان خوروزی در دنیا نمی‌گوید که باسیاست تورم‌زایمى خواهد عدالت برقرار کند. تورم همان قدر که ضد عدالت است، ضد آزادی هم هست.

**چند بار باید یک آزمون شکست‌خورده تکرار شود؟**

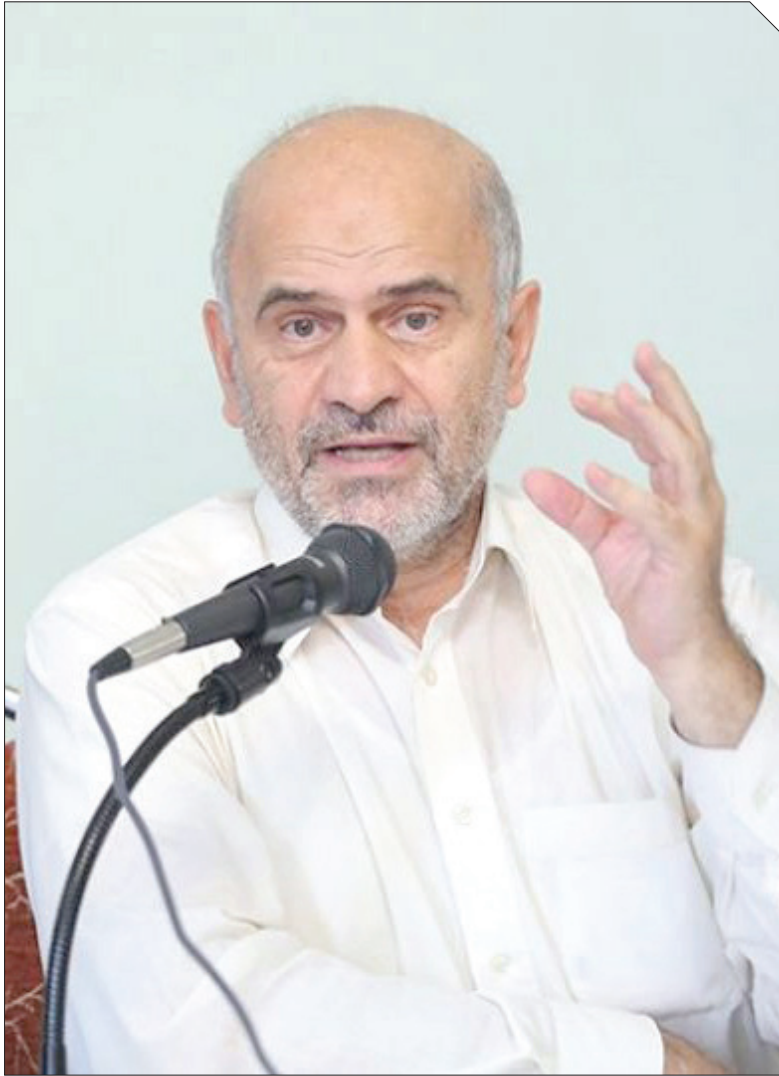
رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد ادامه داد: اگر کسی عمیق‌تر نگاه کنید، این رویکرد هم با بنیان‌های فکری و فلسفی مکتبی که مدعی آن هستند مغایرت دارد و هم با شرایط واقعی کشور. در شرایطی که نزدیک به چهارپنجم جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند یا در آستانه سقوط

نبض اقتصاد
رادردست بگیرید



Charsogh newspaper

■ شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۴۶۷



به زیر خط فقر هستند. تمسک به این ابزار پوسیده که این بار با نام صرفه‌جویی مطرح شده، فقط کانون‌های اصلی بحران را تشدید می‌کند و گواه این مسئله نیز گزارش‌های سالانه ترازنامه انرژی کشور است. اگر قرار است وجدان درد ایجاد شود، با هزار و یک دلیل می‌توان گفت که اولویت اصلی باید ارتقای کیفیت نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور باشد. بنزین، گاز و سایر حامل‌های انرژی چیزهایی نیستند که مصرف‌کننده از مصرف آنها لذت ببرد. وقتی ساختار تولید مسکن به گونه‌ای طراحی شده که هیچ اهتنامی به جلوگیری از اتلاف انرژی در آن وجود ندارد، چگونه می‌توان آن بخش را رها کرد و مردم را تشبیه کرد و انتظار داشت مشکلی از کشور حل شود؟

نمی‌شود. نتیجه آن این است که امروز در تهران خودروهایی

در حال تردد هستند که جای آنها در موزه است، نه در خیابان. این خودروها از هر جهت به جان مردم افتاده‌اند.

**رانت ناشی از سیاست‌های تورم‌زا، ده‌ها برابر بزرگ‌تر از آن رانتی است که مدعی مقابله با آن هستند**

مؤمنی ادامه داد: بزرگ‌ترین آسیبی که مافیاهای از طریق دادن آدرس‌های غلط به کشور وارد می‌کنند این است که همه ظرفیت اجرایی، مالی، ارزی و قاعده‌گذاری حکومت را معطوف مسائل بی‌ربط و فرعی می‌کنند. در حالی که مشکلات بنیادی کشور همچنان با برچاهی ماند و ما در چارچوب یک قاعده «پیشروی در باتلاق»، دائماً در حوزه‌هایی که ماهیت توسعه‌خواهانه دارند عقب‌گرد می‌کنیم. برای توجیه این وضعیت، مدام استدلال‌های خلاف واقع مطرح می‌شود؛

یک روزمی‌گویند هدف عدالت است، روز دیگری می‌گویند می‌خواهیم با رانت مقابله کنیم، ما بارها توضیح داده‌ایم که رانت ناشی از سیاست‌های تورم‌زا، ده‌ها برابر بزرگ‌تر از آن رانتی است که مدعی مقابله با آن هستند؛ آن‌هم در حالی که دوباره اصل همان ادعاها نیز بحث‌های جدی و مورد توجهی در شما اهتمام دارد؛ که شهروندان نتوانند نان، گوشت، لیه و لوبیا تهیه کنند و زنده بمانند، مافیاهای همین را به عنوان توزیع رانت قبیح معرفی می‌کنند، اما وقتی از طریق شوک درمانی و گسترش مناسبات مافیایی و ربوی، اقتصاد کشور را دچار بنزین آنها بین یک‌نیم تا دوونیم برابر استناد رانده‌ایم است. از یک سو مردم را دعوت به وجدان درد می‌کنند، اما از سوی دیگر، قاعده‌گذاری‌هایی انجام می‌دهند که حتی همین سطح موجود از توان خودروسازی کشور را نیز به سمت اضمحلال می‌برد. من بارها گفته‌ام اگر از دریچه اندیشه توسعه به تحولات صنعت خودروسازی ایران نگاه شود، مشخص خواهد شد که در راستای منافع مافیاهای قدرتمت‌های خارجی، ریشه‌تولید ملی خودرو در حال سوزانده شدن است.

**گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد ۲۷ دروغ مبنای توجیه شوک**
**به قیمت حامل‌های انرژی قرار گرفته است**
این استاد اقتصاد افزود: در دوره تعدیل ساختاری، به دلیل شوک درمانی، ما با سلطه مناسبات ربوی روبه‌رو شدیم و همین مناسبات باعث شده هزینه تأمین مالی سرمایه‌ها در گردش بنگاه‌های تولیدی در سه دهه گذشته، بین پنج تا ده برابر میانگین جهانی باشد. اگر ردگنده عدالت وجود دارد، چگونه موجه نمی‌شوند که با ریاگستری، سودگری پروری و ایجاد دولت‌ذلت برای اقتصاد ملی به خارج، نمی‌توان عدالت برقرار کرد؟! اگر بار اول اشتباه بود، چرا این سیاست‌ها صد بار تکرار می‌شود و هر بار نیز شکست می‌خورد، اما باز از آن درس گرفته نمی‌شود؟ گاهی از زبان شریف‌ترین و دلسوزترین مسئولان کشور، سخنانی شنیده می‌شود که واقعاً تأسف بار و شرم‌آور است. گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد حدود ۲۷ دروغ مبنای توجیه شوک به قیمت حامل‌های انرژی قرار گرفته، حتی در درون دولت نیز مستنداتش وجود دارد؛ از جمله کتابی که با همکاری بانک جهانی درباره اقتصاد ایران منتشر شده و در آن تصریح شده کسی که دنبال عدالت باشد و حداقل خرد را داشته باشد، به سراغ شوک درمانی نمی‌رود. به همین دلیل است که آقای دکتر شکاری در کتاب جدیدی گفته‌اند اینها رانه نولیبرال‌سانیدم و نه نئولیبرالیست؛ چراکه آبروی هر دو جریان را بریده‌اند. این افراد اگر خودشان قاسم نباشند، عمالکات دست مافیاهای هستند، چون عملکردشان با هیچ منطقی قابل توجیه نیست.

**صنعت خودرو قربانی تغییرات مدیریتی رانتی و مداخلات فاسد است**

این اقتصاددان تصریح کرد: از یک طرف صداهای مداخله فاسد، رانتی و رزورگوانه در این صنعت انجام می‌شود و از طرف دیگر همان تولیدکنندگان تنبیه می‌شوند که چرا خودروی بی‌کیفیت تولید می‌کنند. پرسش این است که کدام یک از الزامات حمایت از تولید باعث شده که انتظار تولید باکیفیت وجود دارد؟ وقتی معیار انتخاب مدیران، صلاحیت تخصصی نیست و با تغییر دولت‌ها، مدیریت این مجموعه‌ها نیز براساس تعلقات جناحی جابه‌جا می‌شود، واقعاً فهم شما از فقر و اسراف در مسئله انرژی همین است؟ مگر نمی‌دانید در همان گزارش‌های ترازنامه انرژی آمده که تقریباً صد درصد فرآیندهای تولید، انتقال و توزیع حامل‌های انرژی در سیطره و انحصار دولت قرار دارد؟ بنابراین دولت باید خودش را اصلاح کند. اگر قرار باشد بازی با قیمت‌ها به عنوان ابزار صرفه‌جویی معرفی شود، مباد صبر توضیح داده‌ایم که نتیجه آن، علاوه بر گسترش ظلم مردم بی‌پناه، بی‌فای و تشدید دستاوردهای ضد توسعه‌ای خواهد بود.

## برش

**هزینه تصمیم می‌شود**
**مزین ناکارآمدی تولیدکنندگان به جای اصلاح، بردوش مردم تحمیل می‌شود**

او یادشاره به پیامدهای سیاست‌های قیمتی در حوزه انرژی و تولید گفت: وقتی به تولیدکننده انحصارگرا شبه انحصارگرا بهره‌وری پایین گفته نمی‌شود که رویه‌های پرتالاف و ناکارآمد خود را اصلاح کند، نتیجه این می‌شود که هزینه بی‌کفایتی و ناتوانی او را بر سر مردم آگاه، شریف و همیشه در صحنه این کشور می‌کوبند. در بخش عرضه حامل‌های انرژی، وقتی دولت مرتبک خطا می‌شود، تنبیه متوجه عامه مردم می‌شود و این مسئله، همان قدر که ظالمانه است، ضد توسعه‌ای نیز هست. این سیاست‌ها انگیزه اصلاح را از تولیدکننده ناکارآمد می‌گیرد، چون او به این جمع بندی می‌رسد که چرا باید خودش را به زحمت ببندازد، وقتی می‌تواند هزینه بی‌کفایتی‌های خود را از حلقوم مردم بی‌پناه، بی‌فای و مظلوم این کشور بیرون بکشد.

**تنبیه مردم به نام صرفه‌جویی، راه‌حل بحران انرژی نیست**
رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد ادامه داد: اگر کسی عمیق‌تر نگاه کنید، این رویکرد هم با بنیان‌های فکری و فلسفی مکتبی که مدعی آن هستند مغایرت دارد و هم با شرایط واقعی کشور. در شرایطی که نزدیک به چهارپنجم جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند یا در آستانه سقوط

**بانک جهانی نسبت به تبعات ضد عدالتی شوک درمانی هشدار داده‌است**

مؤمنی در ادامه سخنان خود با اشاره به برخی گزارش‌های بین‌المللی درباره اقتصاد ایران گفت: بانک جهانی چند سال پیش کتابی منتشر کرد که یکی از دستگاه‌های حکومتی نیز آن را در سال ۱۳۸۳ با عنوان «اقتصاد ایران از دیدگاه بانک جهانی» ترجمه و منتشر کرد. در آن کتاب تصریح

شده که اگر سراغ شوک درمانی می‌روید، باید دست‌کم به پنج پیامد آن توجه داشته باشید. در این گزارش آمده که در اثر شوک درمانی، فقرا بسیار بیشتر از اغنیای آسیب می‌بینند؛ بنابراین نباید ادعای عدالت کرد. همچنین تأکید می‌کند که تولیدکنندگان بیش از رباخوارها، سودگرا و واردکنندگان آسیب می‌بینند، بنابراین کسی که چنین سیاستی را اجرا می‌کند نباید ادعا کند با انگیزه ارتقای کارایی و بهره‌وری دست به این اقدام زده است.

**شوک درمانی بیشترین آسیب را به روستاییان وارد می‌کند**

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد ادامه داد: در بخش دیگری از این گزارش آمده که در تجربه خاص ایران، آسیب‌پذیری روستاییان از سیاست شوک درمانی تقریباً دو برابر شهرنشینان است. واقعاً گاهی وقتی چنین بدبختی‌ها اولیه‌ای را یادآوری می‌کنم، خودم احساس شرمندگی می‌کنم و از مخاطبانم خجالت می‌کشم. مگر چه کسی است که الفنای اداره اقتصاد ملی را بداند و نداند که رقت‌بارترین جلوه‌های فقر عریان در مناطق روستایی دیده می‌شود؟ بعد شما همان فقیرترین فقرا را با این سیاست‌ها بیشتر تنبیه می‌کنید و در نهایت هم می‌گویید هدفمان عدالت بوده است. از همه مهم‌تر، در این گزارش تصریح شده که وقتی سراغ شوک قیمتی می‌روید، چه در حوزه ارز و چه در زمینه بنزین و سایر حامل‌های انرژی، بحران در حوزه بهداشت، آموزش و نظام تأمین اجتماعی نیز تشدید خواهد شد. تمام این موارد طی ۳۷ سال گذشته در ایران مو به مو رخ داده است.

**سیاست صرفه‌جویی با فشار بر فقرا راه حل مشکلات اقتصادی نیست**

به باور مؤمنی ؛ اکنون دیگر نه بحث «پیچ خطرناک» مطرح است و نه اینکه مدعی شوند نسبت به رانت حساسیت دارند؛ چون این ادعاها دیگر اعتباری برایشان باقی نگذاشته است.

این بار زیر پرچم صرفه‌جویی آمده‌اند. اگر واقعاً هدف صرفه‌جویی است، باید ساختار تولید مسکن، نظام تولید حامل‌های انرژی، صنعت خودروسازی و سایر بخش‌هایی را که نیازمند اصلاح هستند سامان داد.

از طریق تحمیل فشارهای ظالمانه به فقرا، هیچ‌یک از مشکلات کشور حل نخواهد شد. مسئله این است که ذهن نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور را به سمت آدرس‌های غلط منحرف می‌کنند و ویژگی مشترک بسیاری از تصمیم‌گیران این است که حتی اگر سلامت مالی و حسن نیت هم داشته باشند، فاقد فهم تخصصی لازم هستند و متأسفانه نتوانسته‌اند مشاوران و همراهان باکیفیتی را نیز در کنار خود جمع کنند.

**گزارش‌ها معمولاً نوشدارو پس از مرگ سهراب هستند**

وی افزود: واقعاً غم‌انگیز است که دروغ‌پردازی برای توجیه

شوک درمانی در ایران تا این اندازه بی‌آبرو شده که فقط با استناد به گزارش‌های رسمی و کارشناسی خود حکومت می‌توان همه این ادعاها را رد کرد. البته مشکل نجاست است؛ این گزارش‌ها معمولاً نوشدارو پس از مرگ سهراب هستند؛ یعنی ابتدا در راستای منافع مافیاهای آشوب، تهدید امنیت ملی و تحریک آسیب‌دیدگان به اعتراض شکل می‌گیرد و بعد از وقوع همه خسارت‌ها و هزینه‌های مشروعیت‌سوز، تازه در گزارش‌های رسمی اعتراف می‌شود که چه تصمیم مافیادانه‌ای گرفته شده بود. طنز تلخ ماجرا اینجاست که قبلاً با اجرای این سیاست‌ها موافقت کرده بودند. یعنی همان کسی که رأی داده این سیاست اجرا شود، بعداً در گزارش رسمی می‌نویسد که این چه اقتضایی بود. پرسش این است که اگر چنین فهمی وجود دارد، چرا قبل از اجرای سیاست‌ها به آن توجه نمی‌شود و چرا پیش از اعلام تصمیمات، حرف منتقدان شنیده نمی‌شود؟

**سیاست‌های تورم‌زا تعرض به حقوق مالکیت اکثریت مردم است**
استاد گروه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی دانشگاه گفت: برای مثال، سیاست‌های تورم‌زا و اشتغال‌زا، ظالمانه‌ترین و فاجعه‌بارترین تعرض به حقوق مالکیت اکثریت جمعیت کشور هستند و این موضوع بسیار تکان دهنده است. ما باید از جامعه‌شناسان و در ایران، از جامعه‌شناسان و متخصصان روابط بین‌الملل گرفته تا هائل فلسفه، به‌ویژه فیلسوفان، استمداد کنیم تا به میدان بیایند و بگویند آیا واقعاً یقینی برای این ملت باقی‌مانده که باز هم در راستای منافع مافیاهای و با توجیه صرفه‌جویی، تعرض تازه‌ای به معیشت مردم صورت گیرد و ابعاد فقرایی به شکلی بی‌سابقه‌گسترش پیدا کند؟

**گزارش‌های رسمی از تشدید بحران معیشتی پس از حذف نرخ ترجیحی حکایت دارد**

مؤمنی با اشاره به تجربه حذف ارز ترجیحی گفت: زمانی که گفتند اگر ارز ترجیحی حذف شود، عدالت برقرار می‌شود، رانت از بین می‌رود و فقرا منتفع می‌شوند، اما اکنون خود گزارش‌های رسمی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در نتیجه همان سیاست‌ها، تورمی که به مردم تحمیل شد در عرض یک سال بیش از ۱۰۰ درصد

افزایش پیدا کرد. آیا متوجه نیستند که این سیاست‌ها چه تعرضی به حقوق مالکیت فقرا ایجاد کرده است؟ خانواده‌ای که دیگر نمی‌تواند هزینه‌های بهداشت و درمان خود را تأمین کند، از عهده اجاره مسکن بر نمی‌آید و توان فرستادن فرزندش به مدرسه را ندارد، دقیقاً قربانی همین سیاست‌هاست و همه این مسائل نیز در گزارش‌های رسمی مستند شده است.

**۳۷ سال تکرار چرخه شوک انرژی و ارز در اقتصاد ایران ادامه‌دارد**

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد ادامه داد: کسی که فرزندش را به دلیل هزینه‌ها از مدرسه بازمی‌دارد، وقتی بیمار می‌شود نمی‌تواند خانواده‌اش را نزد پزشک ببرد و به دلیل گرانی غیرعادی اجاره‌بها، مجبور شده چند ده کیلومتر دورتر از مرکز شهر زندگی کند تا شاید بتواند مسکنی ارزان‌تر پیدا کند، دیگر چگونه باید صرفه‌جویی کند؟ وقتی نام این سیاست‌ها را «صرفه‌جویی» می‌گذارند، دقیقاً از مردم چه انتظاری دارند؟ تمام تجربه‌های موجود در ایران نشان می‌دهد هر شوکی به قیمت حامل‌های انرژی وارد می‌شود، بلافاصله و به‌صورت اجتناب‌ناپذیر خود را در شوک نرخ ارز نشان می‌دهد و پس از جهش ارزی نیز دوباره با فاصله زمانی، شوک تازه‌ای به قیمت حامل‌های انرژی وارد می‌شود. این دور باطل ۳۷ سال است که در اقتصاد ایران تکرار می‌شود. اوضاع به جایی رسیده که تهیه‌کنندگان برنامه هفتم توسعه حتی از ارائه یک تصویر واقعی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی کشور نیز خودداری کرده‌اند. پرسش این است که این روند تا کجا و تا چه زمانی قرار است ادامه پیدا کند؟

وی اظهار کرد: همان قدر که نسبت به فشارهای ناشی از سیاست‌های تورم‌زا بر فقرا بی‌رحمی می‌شود، به همان اندازه و حتی بیشتر، نسبت به سرتوشت اقتصاد ملی نیز بی‌توجهی وجود دارد. حکومتی که دائماً تهدید دشمن خارجی می‌گوید و رفتارهای تجاروارانه آمریکا و اسرائیل را با پوست و گوشت لمس کرده، چگونه متوجه نیست که سیاست‌های تورم‌زا اقتصاد ایران را هر روز بیشتر به سمت لاریزه‌شدن سوق می‌دهد؟ آیا متوجه نمی‌شوند که تورم مستمر باعث می‌شود پول ملی به تدریج توان انجام وظایف کلاسیک خود را از دست بدهد و اقتصاد به سمت وابستگی بیشتر به دلار حرکت کند؟ از یک طرف شعار

مقابله با هژمونی دلار داده می‌شود و از سوی دیگر، با سیاست‌های تورم‌زا، دلار در اقتصاد ایران قدرتمندتر و مسلط‌تر می‌شود. این مسئله آن قدر داده و شواهد رسمی دارد که هرکدام از آنها باید موجب شرمساری هر سیاست‌گذاری باشد که هنوز حداقلی از شرافت انسانی را حفظ کرده است.

**پس از دوره‌ره شوک درمانی در ایران، میل به مهاجرت تقریباً**

**دو برابر افزایش پیدا کرده‌است**

به جای مواجهه با واقعیت‌ها، اطلاعات و گزارش‌هایی را که باید مبنای تصمیم‌گیری قرار بگیرد حذف می‌کنند.

این اقتصاددان یادآور شد:

در دانشگاه صنعتی شریف مرکزی ایجاد شده بود که نشان می‌داد پس از هر دوره شوک درمانی در ایران، میل به مهاجرت تقریباً دو برابر

افزایش پیدا کرده است. اما وقتی مشاهده کردند نتایج این مطالعات چه

ابعاد تکان دهنده‌ای دارد، به جای متوقف کردن ریشه این بی‌خردی، آن مرکز را تعطیل کردند و دیگر اجازه انتشار گزارش درباره تحولات مهاجرتی داده‌نشد. این به جای مواجهه با واقعیت‌ها، اطلاعات و گزارش‌هایی را که باید مبنای تصمیم‌گیری قرار بگیرد حذف می‌کنند. در قرآن، درباره هیچ موضوعی به اندازه‌ریا حساسیت نشان داده نشده، اما امروز سیاست‌هایی در کشور دنبال می‌شود که عملاً به گسترش مناسبات ربوی و تقویت ساختارهای غیرمولد منجر شده است.

**شوک درمانی عملاً به بدهکاران بزرگ بانکی سوسپید ۷۰ درصدی می‌دهد**

مؤمنی با بیان اینکه در دوره تعدیل ساختاری، حجم وام‌های نکول شده در شبکه بانکی ایران بین چهار تا هفت برابر میانگین جهانی بوده است و در ادامه نیز برخی بانک‌های خصوصی سابق‌های از این وضعیت را رقم زدند، تأکید کرد: همه را دعوت می‌کنم صفحات یک تا چهار گزارش «وضعیت تسهیلات و تعهدات در شبکه بانکی کشور» را در آن ۱۴۰۳ توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منتشر شده مطالعه کنند. در این گزارش به روشنی دیده می‌شود چگونه در سایه این سیاست‌ها به رباخوارها و مافیاهای خدمت‌رسانی شده است. در این گزارش پرداخت‌های بدهکاران بزرگ بانکی در ایران به شکل غیرعادی بالاست و این افراد از مسیریاهای ناسالم و وام دریافت می‌کنند و سپس آن را باز نمی‌کردند. بخش مهمی از این منابع نیز پس از تبدیل به دلار، از کشور خارج می‌شود. شوک درمانی از طریق کاهش ارزش واقعی بدهی‌ها، به بدهکاران بزرگ بانکی سوسپیدی معادل ۷۰ تا ۶۰ درصد اعطا می‌کند و عملاً به آنها جایزه می‌دهد. در همین گزارش آمده که صورت‌های مالی برخی بانک‌های خصوصی نشان می‌دهد وام‌های بسیار بزرگی با نرخ بهره صفر و دوره بازپرداخت ۶۰ ماهه پرداخت شده‌است. گستره‌روندی که برای دریافت یک وام ۲۰ ملیون تومانی با نظام بانکی مواجه شده باشد، به خوبی می‌فهمد این تبعیض چه معنایی دارد.

**ادامه در صفحه ۳**

عوامل مختلفی در شکل گیری این وضعیت نقش دارند. یکی از مهم‌ترین عوامل به ساختار فنی شبکه برق کشور بازمی‌گردد. فاصله قابل توجه میان مراکز اصلی تولید برق و مناطق مصرف موجب شده است حجم زیادی از انرژی در مسیرهای طولانی منتقل شود.

**فرسودگی زیرساخت‌ها؛ عامل مؤثر در افزایش تلفات شبکه**
علاوه بر ساختار جغرافیایی شبکه، وضعیت تجهیزات انتقال و فوق توزیع نیزدر سطح تلفات شبکه نقش قابل توجهی دارد. در این زمینه، حدود ۲۷.۸ درصد از خطوط انتقال برق کشور بیش از ۳۰ سال عمر دارند. همچنین حدود ۹.۶ درصد از پست‌های برق کشور از عمر مفید خود عبور کرده‌اند. وجود چنین سهمی از تجهیزات قدیمی در شبکه موجب افزایش مقاومت خطوط، کاهش کارایی ترانسفورماتورها و در نهایت افزایش تلفات انرژی می‌شود. با افزایش سن خطوط انتقال، مقاومت الکتریکی آن‌ها بیش‌تر می‌شود و تلفات اهمی در شبکه افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، فرسودگی ترانسفورماتورها می‌تواند موجب افزایش تلفات انرژی و مسمی در این تجهیزات شود و بخشی از انرژی الکتریکی را به گرما تبدیل کند. در مقیاس کل شبکه، کاهش راندمان چنین تجهیزاتی می‌تواند سهم قابل توجهی در افزایش تلفات برق داشته باشد.

**گسترده‌گی شبکه انتقال؛ عامل ساختاری در افزایش اتلاف انرژی**
گسترده‌گی جغرافیایی شبکه برق ایران نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر بر میزان تلفات به شمار می‌رود. پراکندگی منابع تولید برق در کشور و فاصله قابل توجه میان محل تولید و مراکز مصرف باعث شده شبکه انتقال برق از نظر طول خطوط در مقیاس بسیار بزرگی توسعه یابد.

مجموع طول خطوط شبکه برق ایران به بیش از ۹۸ هزار کیلومتر می‌رسد. در چنین شبکه گسترده‌ای حتی افزایش جزئی در مقاومت خطوط یا کاهش راندمان تجهیزات می‌تواند به افزایش قابل توجه تلفات انرژی منجر شود.

#### جدول طول خطوط

درمجموع، بررسی شاخص تلفات در شبکه برق کشور نشان می‌دهد بخشی از ظرفیت تولید برق ایران پیش از رسیدن به مصرف‌کنندگان از بین می‌رود؛ موضوعی که می‌تواند معادل ظرفیت چند نیروگاه بزرگ باشد. فاصله بالای میان مراکز تولید و مصرف، گسترده‌گی شبکه انتقال و فرسودگی بخشی از زیرساخت‌های برق از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری این وضعیت به شمار می‌روند. از این رو، کاهش تلفات شبکه از طریق نوسازی تجهیزات، بهینه‌سازی ساختار انتقال و ارتقای بهره‌وری فنی شبکه می‌تواند به‌عنوان یکی از مسیرهای مهم افزایش کارایی صنعت برق و استفاده بهتر از ظرفیت تولید کشور مورد توجه قرار گیرد.



# تلفات ۱۰ درصدی شبکه برق ایران؛ معادل تولید ۶ نیروگاه ۱۰۰۰ مگاواتی

## گزارش

تلفات حدود ۱۰ درصدی شبکه برق ایران به معنای هدررفت سالانه نزدیک به ۳۸ میلیارد کیلووات ساعت انرژی است؛ رقمی که در مقیاس تقریبی با تولید ۶ نیروگاه بزرگ ۱۰۰۰ مگاواتی برابری می‌کند. فرسودگی بخشی از خطوط و پست‌ها، فاصله زیاد میان مراکز تولید و مصرف و گسترده‌گی جغرافیایی شبکه از عوامل مؤثر در این وضعیت هستند. کاهش تلفات از مسیر نوسازی تجهیزات، بهینه‌سازی شبکه انتقال و ارتقای بهره‌وری فنی می‌تواند بخشی از ظرفیت تولید موجود را آزاد کند و یکی از مسیرهای کل‌هزینه‌تر برای کاهش ناترازی برق کشور باشد.

میزان تلفات شبکه برق ایران در مقایسه با استانداردهای جهانی در سطح بالاتری قرار دارد. بخش قابل توجهی از این وضعیت به عوامل ساختاری از جمله فرسودگی بخشی از تجهیزات شبکه، فاصله قابل توجه میان مراکز تولید و مصرف و گسترده‌گی جغرافیایی خطوط انتقال بازمی‌گردد. بررسی این مسئله نشان می‌دهد کاهش تلفات شبکه می‌تواند به عنوان یکی از مسیرهای مهم ارتقای بهره‌وری و استفاده مؤثرتر از ظرفیت تولید برق کشور مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد.

## بورس

# بورس از همه بازارها جا ماند؛ بازار سهام در کف تاریخی قیمت

ارزش دلاری بورس تهران در حالی پس از ۸۳ روز تعطیلی به ۶۹ میلیارد دلار رسیده که در پایین‌ترین سطح ۷ سال اخیر قرار دارد.

بازار سرمایه هفته گذشته در شرایطی پس از ۸۳ روز وقفه فعالیت خود را از سر گرفت که یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش ارزندگی، به پایین‌ترین حد خود در نزدیک به یک دهه اخیر رسیده است.

ارزش دلاری بورس تهران که زمانی در تابستان ۱۳۹۹ به اوج تاریخی ۴۵۰ میلیارد دلار رسیده بود، حالا به رقم ۶۹ میلیارد دلار کاهش یافته است. این افت ۸۵ درصدی در حالی ثبت شده که طی این سال‌ها دهه‌ها شرکت بزرگ و متوسط در بازار پذیرفته شده‌اند. به باور کارشناسان، برای درک عمق این کاهش، کافی است نگاهی به بازه زمانی ۱۰ ساله بیندازیم. در حالی که ارزش دلاری بازار سرمایه این روزها به ۶۹ میلیارد دلار رسیده، بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند ارزش جایگزینی دارایی‌های شرکت‌های بورسی (هزینه‌ای که برای ساخت مجدد همین شرکت‌ها نیاز است) حداقل دو تا پنج برابر این رقم برآورد می‌شود. به عبارت دیگر، اگر سرمایه‌گذاری بخواهد امروز

## حذف ارز ترجیحی به ضرر مردم شد

**مدافعان شوک‌درمانی یک نمونه موفق از این سیاست‌ها ارائه کنند**

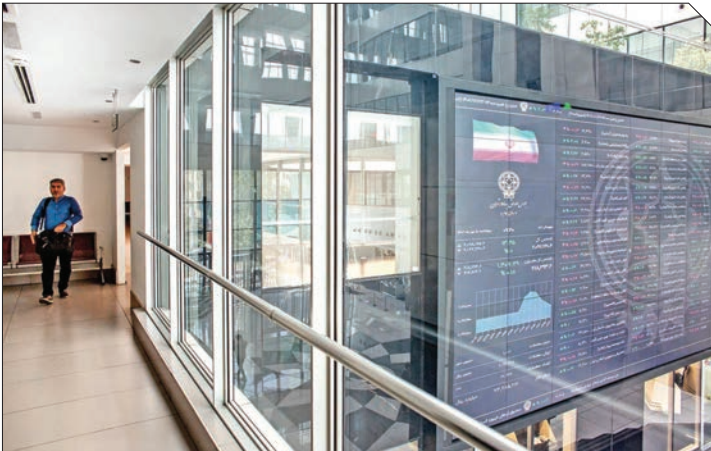
رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد گفت: کاهش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی از منظر اقتصاد سیاسی یعنی حذف نیروهای گریز از مرکز در کشور؛ چون حکومت دیگر نمی‌تواند به استان‌های فقیر و عقب‌مانده خدمات لازم در حوزه آموزش، بهداشت، سلامت، زیرساخت‌های فیزیکی، مسکن و تغذیه ارائه کند و در عمل، مشروعیت خود را نیز تضعیف می‌کند. فقط از مدافعان شوک‌درمانی می‌خواهم یک مورد نشان دهند که این سیاست‌ها اجرا شده و در نتیجه آن رفاه خانوارها کاهش نیافته، توان تولید ملی تضعیف نشده و توان مالی حکومت نیز سقوط نکرده باشد.

**کسانی که دوباره قصد شوک‌درمانی دارند، تجربه می‌دهند**
۱۴۰۴ را فراموش نکنند
وی ادامه داد: خاضعانه تقاضای کم‌کسانی که دوباره قصد اجرای این سیاست‌ها را دارند، تجربه دی‌ماه ۱۴۰۴ فراموش نکنند. شهادت‌آمناطیف جمعیتی آسیب‌دیده از این سیاست‌ها را گسترش می‌دهد و حتی کسانی را که هنوز کاملاً به مرز فروپاشی نرسیده‌اند، به شرایط بدتری سوق می‌دهد. به سیاست‌گذاران کشور توصیه می‌کنم کتاب «در هوای حق و عدالت» اثر محمدعلی موحد را مطالعه کنند. ایشان علاوه بر جایگاه فقهی، در حوزه حقوق نصاب‌خاص‌نظر هستند و در این کتاب تصریح

#### تلفات انرژی؛ شاخص سنجش کارایی شبکه برق

در شبکه‌های برق، تلفات انرژی به میزان برقی گفته می‌شود که در فرایند انتقال و توزیع پیش از رسیدن به مصرف‌کننده از دست می‌رود. این تلفات معمولاً به دلایل فنی نظیر مقاومت خطوط انتقال، عملکرد ترانسفورماتورها و شرایط تجهیزات شبکه رخ می‌دهد و یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی کارایی فنی شبکه‌های برق در جهان محسوب می‌شود. اهمیت این شاخص زمانی بیش‌تر آشکار می‌شود که حجم تولید برق کشور در نظر گرفته شود. براساس برآوردها، تولید ویژه نیروگاه‌های برق در هلند حدود ۴.۸ درصد، در کشور در سال ۱۴۰۲ حدود ۲۷۶ میلیارد کیلووات ساعت است. با در نظر گرفتن تلفات حدود ۱۰.۹ درصدی در شبکه برق، سالانه نزدیک به ۳۸ میلیارد کیلووات ساعت انرژی الکتریکی در فرایند انتقال و توزیع از بین می‌رود.

برای درک ابعاد این رقم می‌توان آن را با ظرفیت تولید نیروگاه‌ها مقایسه کرد. یک نیروگاه با ظرفیت هزار مگاوات، مانند نیروگاه هسته‌ای بوشهر، در طول یک سال حدود ۶ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید می‌کند. براین اساس، میزان انرژی تلف شده در شبکه برق ایران تقریباً معادل تولید سالانه حدود شش نیروگاه هسته‌ای بوشهر است؛ ظرفیتی که عملاً بدون ایجاد ارزش اقتصادی از دست می‌رود.



محتاط‌تر از همیشه کرده است. همچنین رقابت با نرخ سود عملی دیگری است که به اعتقاد کارشناسان باید به دلیل روند نزولی ۶ ساله ارزش دلاری بازار سهام اضافه کرد؛ آن هم به این دلیل که رشد چشمگیر نرخ سود بانکی و بازدهی اوراق بدهی، بخش قابل توجهی از تئودینگی را از بازار سهام به سمت دارایی‌های

کم‌ریسک هدایت کرده است. در این میان پرسش قابل طرح، ماهیت این کاهش قیمت‌هاست و شاید لازم باشد به این پرسش پاسخ داد که آیا بورس به محدوده ارزندگی واقعی رسیده یا آنچه می‌بینیم بازتابی از بحران‌های عمیق تر اقتصادی است؟ از یک منظر، نسبت قیمت به درآمد بسیاری

از شرکت‌های بورسی به سطوح تاریخی پایین خود نزدیک شده و در شرایط تورمی ۷۰ درصدی و با دلاری که نسبت به اسفند پارسال ۱۵ تا ۲۰ درصد رشد کرده، بسیاری از سهامداران فرسوده خودداری کرده‌اند. امّا از نگاهی دیگر، صرف ارزندگی نمی‌تواند تضمین‌کننده رشد پایدار باشد و تجربه نشان داده در شرایطی که اعتماد عمومی به سیاست‌گذاری‌ها از بین رفته باشد، بازارها می‌توانند ماه‌ها و حتی سال‌ها در محدوده‌های ارزنده باقی بمانند بدون آنکه موج جدیدی از خرید آغاز شود. این در شرایطی است که بررسی ارزش دلاری تکنیک جدید صنایع نشان می‌دهد گروه پتروشیمی و فلزات اساسی بیشترین سهم را در کاهش ارزش بازار سهام داشته‌اند. این دو گروه که زمانی لوکوموتیور رشد بورس محسوب می‌شدند، حالا با چالش‌های جدی در صادرات و قیمت‌گذاری مواجه هستند. در مقابل، صنایع غذایی و دارویی که از افزایش نرخ ارز و تورم بهره برده‌اند، سهمشان از ارزش کل بازار نسبت به گذشته افزایش یافته است. با این حال، این افزایش سهم نتوانسته کاهش عظیم ارزش کل بازار را جبران کند.

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد ادامه داد: امیدوارم با زندگی مردم عادی به حدی زیاد شده که گاهی حتی با حسن نیت نیز سخنانی مطرح می‌کنند که واقعاً غیرعادی و مشمّرکننده است. **صمیمت از دلبودن کلام بدون قهر خرید، بی‌مناسبت مؤمنی توضیح داد:** از یک طرف خودشان گزارش می‌دهند که فقردر ایجادگسترده‌ای در کشور در حال گسترش است، اما برای آرام کردن مردم می‌گویند «همه چیزلالله‌به وفور وجود دارد». در حالی که مسئله مردم این نیست که کالا وجود ندارد، مسئله این است که توان خرید آن را ندارند. وقتی سیاست‌های تورم‌زا اتخاذمی‌شود، هزینه غذا، آموزش، درمان، دارو، اجاره مسکن و تمام ابعاد زندگی مردم افزایش پیدا می‌کند، اما باعد برای آرام کردن وجدان خودمی‌گویند «ایرانه نقدی من، دعیم». زمانی که قرار بود بودجه ۱۴۰۵ تدوین شود، من گفتم بررسی کردم و با یک میلیون تومان یارانه فقط می‌توان حدود ۷۰۰ گرم زرشک خرید. واقعاً چگونه می‌خوانند تمام فشارهایی را که بر معیشت مردم وارد کرده‌اند با چنین مبالغی جبران کنند؟ وی اظهار کرد: اکنون باید دوباره بررسی کرد که قدرت خرید همین یارانه نقدی به چه میزان کاهش پیدا کرده است. بعضی از این سخنان واقعاً نشان می‌دهد که تصمیم‌گیران کشور نیازمند مشورت‌های بسیار سطح بالاتری هستند.

## اخبار



## کاهش تلفات شبکه توزیع برق؛ پیوند راهکارهای فنی با اصلاح حکمرانی

محمدفاضل نصیری

اتلاف سالانه ۲۸ میلیارد کیلووات ساعت برق که معادل دویزنیروگاه سیکل ترکیبی دماوند محسوب می‌شود، علاوه بر هدررفت سرمایه ملی، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های جدید و در نتیجه فشار بر منابع مالی را افزایش می‌دهد. کاهش پایدار تلفات مستلزم ترکیب اقدامات فنی با تنظیم‌گری مبتنی بر عملکرد، ایجاد سازوکارهای انگیزشی و توسعه زیرساخت‌های هوشمند است. تلفات انرژی در شبکه توزیع برق تنها یک شاخص فنی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین نشانه‌های ناکارآمدی در نظام حکمرانی انرژی به شمار می‌رود. این تلفات که بخش قابل توجهی از برق تولیدی کشور را پیش از رسیدن به مصرف‌کننده از بین می‌برد، سالانه هزینه‌ای سنگین به اقتصاد تحمیل می‌کند؛ هزینه‌ای که به‌صورت افزایش نیاز به سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌ها، تشدید ناترازی برق و تحمیل بار مالی به دولت و مشترکان بروز می‌یابد. در شرایطی که صنعت برق با محدودیت منابع و رشد تقاضا مواجه است، تداوم سطح بالای تلفات در عمل به معنای هدررفت سرمایه ملی و کاهش کارایی کل زنجیره تأمین برق است. با این حال، این مسئله فقط ریشه فنی ندارد و بخش مهمی از آن به ضعف نظام تنظیم‌گری و ضعف در پیوند میان شاخص‌های تلفات و نظام انگیزشی شرکت‌های توزیع بازمی‌گردد.

**اهمیت و پیامدهای کاهش تلفات در شبکه برق**

تلفات شبکه برق ایران در سال ۱۴۰۲ به میزان ۱۰.۹ درصد بوده است که سهم شبکه توزیع و انتقال در آن به ترتیب ۹.۶۷ درصد و ۲.۶۳ درصد بوده است. این میزان تلفات به معنای از دست رفتن سالانه حدود ۳۸ میلیارد کیلووات ساعت برق در فرایند انتقال و توزیع است؛ رقمی که از منظر ظرفیت تولید، معادل تولید سالانه حدود دویزنیروگاه سیکل ترکیبی دماوند محسوب می‌شود. تداوم چنین اتلافی در شرایط محدودیت منابع و رشد تقاضا، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های هزینه‌بر توسعه نیروگاه‌های جدید را افزایش داده و فشار مضاعفی بر منابع مالی صنعت برق و بودجه عمومی تحمیل می‌کند. علاوه بر این، سطح بالای تلفات موجب کاهش بهره‌وری کل زنجیره تأمین برق، تشدید ناترازی تولید و مصرف و همچنین افزایش هزینه تمام‌شده انرژی برای اقتصاد می‌شود. بخش مهمی از این وضعیت به عوامل ساختاری از جمله فرسودگی تجهیزات، گسترده‌گی شبکه و فاصله میان مراکز تولید و مصرف بازمی‌گردد. از این رو، کاهش تلفات تنها تنها یک اقدام فنی، بلکه یک ضرورت اقتصادی و سیاستی برای آزادسازی ظرفیت تولید، کاهش نیاز به سرمایه‌گذاری جدید و ارتقای کارایی نظام انرژی کشور به شمار می‌رود.

**عوامل فنی و غیرفنی تلفات در شبکه برق**

تلفات شبکه توزیع برق به‌طور کلی به دودسته فنی و غیرفنی تقسیم می‌شود. تلفات فنی ناشی از ویژگی‌های فیزیکی و عملکرد اجزای شبکه مانند خطوط، ترانسفورماتورها است، در حالی که تلفات غیرفنی به عواملی نظیر سرعت برق، خطاهای اندازه‌گیری و ضعف در ثبت و پایش داده‌ها مربوط می‌شود. در بخش فنی، تلفات به دو جزء ثابت و متغیر تقسیم شده و در شرایط اوج بار به دلیل افزایش جریان، تشدید می‌شود. فرسودگی تجهیزات، مقاومت بالای هادی‌ها، طول زیاد خطوط و عدم تعادل بار از مهم‌ترین عوامل افزایش این نوع تلفات هستند. در کنار آن، ضریب قدرت پایین و عدم مدیریت مناسب ولتاژ نیز موجب افزایش تلفات گهمی می‌شود. تلفات غیرفنی بیش‌تر ناشی از ضعف نظارت، نبود زیرساخت‌های اندازه‌گیری دقیق و ناکارآمدی در شناسایی مصرف‌های غیرمجاز است که بدون ابزارهای داده‌محور و نظارت هوشمند قابل کنترل نخواهد بود.

**عوامل ساختاری و حکمرانی مؤثر بر تلفات شبکه**

علاوه بر عوامل فنی و عملیاتی، سطح تلفات در شبکه برق به شدت تحت تأثیر متغیرهای ساختاری و حکمرانی قرار دارد. گسترده‌گی جغرافیایی شبکه، فاصله میان مراکز تولید و مصرف و فرسودگی زیرساخت‌ها از جمله محدودیت‌های ساختاری هستند که هزینه کاهش تلفات را افزایش می‌دهند. در عین حال، نبود نظام تنظیم‌گری کارآمد و ضعف در پیوند میان شاخص‌های عملکردی و نظام انگیزشی شرکت‌های توزیع، موجب شده کاهش تلفات به یک اولویت عملیاتی تبدیل نشود. فقدان مشوق‌های اقتصادی و محدودیت منابع مالی برای نوسازی تجهیزات و عدم استقرار نظام ارزیابی عملکرد مبتنی بر نتایج، از جمله چالش‌های کلیدی در این حوزه است. همچنین توسعه زیرساخت‌های هوشمند و داده‌محور بدون تعریف مدل‌های مالی پایدار و الزامات تنظیم‌گری شفاف، با کندی مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، کاهش تلفات نیازمند اصلاح

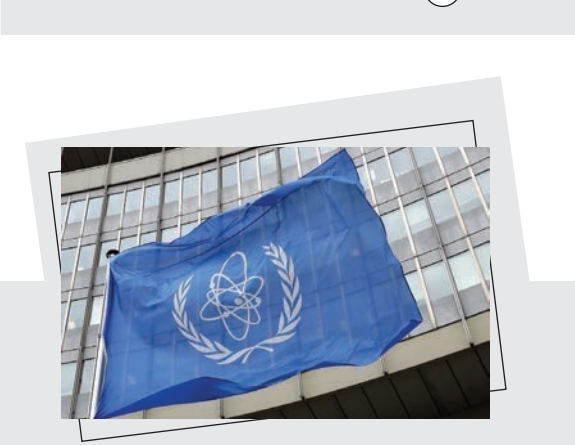
هم‌زمان سازوکارهای فنی و چارچوب‌های حکمرانی است.

**راهکارهای فنی و مدیریتی کاهش تلفات؛ از مانور شبکه تا نوسازی تجهیزات**

کاهش پایدار تلفات در شبکه توزیع نیازمند هم‌راستاسازی راهکارها با ریشه‌های فنی و حکمرانی این مسئله است. در بخش فنی، شرکت‌های توزیع برق به‌عنوان متولی بهره‌برداری از شبکه، با اقداماتی مانند بهینه‌سازی آرایش شبکه و مانور خطوط، مدیریت بار در ساعات اوج، جبران توان راکتیو، کنترل ولتاژ و نوسازی تجهیزات فرسوده می‌توانند از طریق کاهش جریان و بهبود ضریب قدرت، تلفات اهمی و افت ولتاژ را به‌طور مستقیم کاهش دهند. در این میان، مشترکان نیز از طریق اصلاح الگوی مصرف، کاهش مصرف در ساعات اوج و بهبود ضریب قدرت در بخش‌های صنعتی، نقش مکملی در کاهش تلفات ایفا می‌کنند. همچنین توسعه زیرساخت‌های اندازه‌گیری و پایش که عمدتاً بر عهده شرکت‌های توزیع و نهادهای متولی شبکه است، امکان شناسایی نقاط پر تلفات و مداخله هدفمند را فراهم می‌کند. در سطح مدیریتی و سیاستی، وزارت نیرو با طراحی نظام تنظیم‌گری مبتنی بر عملکرد، تعیین اهداف کمی کاهش تلفات و پیوند آن با نظام انگیزشی شرکت‌های توزیع، نقش کلیدی در جهت‌دهی این فرایند دارند. استفاده از سازوکارهایی مانند تعرفه‌های مبتنی بر کارایی، مشوق‌های مالی برای کاهش تلفات و تخصیص منابع بر مبنای نتایج، از جمله ابزارهای است که باید توسط سیاست‌گذار طراحی و اعمال شود. همچنین توسعه بازارهای مرتبط با صرفه‌جویی انرژی و تعریف مدل‌های مالی پایدار برای نوسازی شبکه، مستلزم مداخله فعال نهادهای سیاست‌گذار و تأمین‌کنندگان مالی است و می‌تواند اجرای اقدامات فنی را تسریع کند.

**خاصه راهکارها**

درمجموع، تلفات شبکه توزیع برق فقط یک چالش فنی نیست، بلکه بازتابی از نحوه حکمرانی در صنعت برق است. تداوم سطح بالای تلفات، به معنای تحمیل هزینه‌های پنهان به اقتصاد، تشدید ناترازی و کاهش کارایی سرمایه‌گذاری‌ها است. از این رو، سیاست‌گذار باید کاهش تلفات را نه به‌عنوان یک اقدام مقطعی، بلکه به‌عنوان یک هدف راهبردی در قالب تنظیم‌گری مبتنی بر عملکرد، اصلاح نظام انگیزشی شرکت‌های توزیع و توسعه زیرساخت‌های داده‌محور دنبال کند. نهاد در چنین چارچوبی می‌توان به کاهش پایدار تلفات و ارتقای بهره‌وری کل زنجیره تأمین برق دست یافت.



## جنگ علیه ایران زندگی ۸۲۰ میلیون نفر در آسیا را مختل کرده است

📰 با آغاز جنگ علیه ایران وانسداد تنگه هرمز زندگی ۸۲۰ میلیون نفر در آسیامختل شده است.

به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی؛ جنگ علیه ایران یک بحران جهانی بی‌سابقه انرژی را رقم زده است. حجم روزانه تولید و عرضه نفت در بازارهای جهانی در مارس ۲۰۲۶، از مجموع حداکثرافت عرضه در دو شوک بزرگ نفتی دهه ۱۹۷۰ نیز فراتر رفته است.

بحران‌های انرژی پیشین تأثیرات عمیقی بر اقتصادها و جوامع گذاشتند و اغلب خانوارها را مجبور می‌کردند که بنزین خودرو و سوخت گرمایش خانه را جیره‌بندی کنند. بحران سال ۲۰۲۶ که با جنگ علیه ایران آغاز شد در سراسر جهان احساس می‌شود و کشورهای در حال توسعه و نوظهور اکنون با چالش‌ی بسیار دشوار روبه‌رو هستند. خانوارها در این کشور مطمئن نیستند که آیا سوخت کافی حتی برای پخت پک وعده غذا وجود دارد و آیا گاز هم توان خرید آن را دارند؟

**گاز مایع در مرکز بحران**
در مرکز این بحران، گاز مایع (LPG) قرار دارد که پرکاربردترین سوخت برای استفاده خانگی (پخت‌وپز) در جهان است. حدود ۳٫۴ میلیارد نفر در کشورهای در حال توسعه از LPG به‌عنوان منبع اصلی انرژی برای پخت‌وپز استفاده می‌کنند. در سال ۲۰۲۵، ۳۰٪ از کل صادرات دریایی LPG از تنگه هرمز عبور می‌کرد. کشورهای در حال توسعه آسیای شرقی بیشترین سهم استفاده از LPG برای استفاده خانگی را دارند و نزدیک به ۲٫۴ میلیارد نفر از آن به‌عنوان سوخت اصلی خانگی (پخت‌وپز) استفاده می‌کنند.

**وابستگی شدید هند و اندونزی به واردات گاز مایع**

امروز، ۷۰٪ خانوارهای اندونزی و ۸۰٪ خانوارهای هند برای پخت‌وپز به LPG وابسته هستند، با این حال، هر دو کشور واردکننده LPG هستند و تولیدکنندگان خاورمیانه سهم عمده‌ای از نیاز آنها را تأمین می‌کنند. در سال ۲۰۲۵، حدود دو سوم LPG مصرفی هند از تنگه هرمز عبور می‌کرد. در مارس ۲۰۲۶، با انسداد تنگه هرمز در پی درگیری خاورمیانه، حجم LPG صادراتی از این تنگه حدود ۸۰٪ کاهش یافت و از میانگین ۱٫۵ میلیون بشکه در روز در ۲۰۲۵ به ۰٫۳ میلیون بشکه در روز رسید. تقریباً تمام LPG صادراتی از خاورمیانه در سال ۲۰۲۵ به آسیا تحویل داده شد؛ نزدیک به ۶۰٪ از حجم صادراتی به آسیا، نیاز پخت‌وپز خانوارها، رستوران‌ها و سایر مؤسسات تجاری را عمومی‌را تأمین می‌کرد. این مقدار برای تأمین نیاز پخت‌وپز ۸۲۰ میلیون نفر کافی بود، مابقی بیشتر برای گرمایش آب و خوراک اولیه صنعت پتروشیمی استفاده می‌شد که در آنجا انعطاف‌پذیری برای تغییر به خسوراک اولیه جایگزین در صورت مقرون به‌صرفه‌تر بودن وجود دارد.

**جایگزینی LPG امکان‌پذیر نیست**

واردات LPG هند به‌طور ویژه‌ای تحت تأثیر قرار گرفته و در دو ماه نخست درگیری بیش از نصف کاهش یافته‌است که رقمی معادل کاهش حدود ۴۲۰ هزار بشکه در روز است. دولت هند با دستور به بالایشگاه‌های داخلی برای حداکثرسازی تولید LPG پاسخ داد که حدود ۱۸۰ هزار بشکه در روز به تولید افزود، همچنین اقداماتی در سمت تقاضا برای محدود کردن تأثیر بر مصرف خانگی مطرح شد. شرکت‌ها نیز توانستند مقداری از منابع جایگزین (آمریکا) دست‌آوردند، اما یک کشتی (از آمریکا) حدود ۴۰ روز زمان نیاز دارد تا به بمبئی برسد. در حالی که این زمان از تنگه هرمز ۴ تا ۵ روز است. در همین حال، مقدار LPG که هندی می‌تواند در انبار ذخیره کند، تنها پوشش دهنده کمی بیش از ۱۰ روز مصرف است و هنگام اختلالات عرضه، یک حالت ایجاد می‌کند. بر اساس آخرین اطلاعات موجود، رسانه‌های محلی هند همچنین از افزایش جابه‌جایی جمعیت از شهرها به مناطق روستایی گزارش دادند، جایی که برخی مصرف‌کنندگان انتظار داشتند بتوانند به سوخت‌های مناسب برای مصرف خانگی از جمله چوب و زغال راحت‌تر دسترسی پیدا کنند.

**ذخایر استراتژیک LPG کافی نیست**

تأثیرات بسته‌شدن عملی تنگه هرمز بر سوخت خانگی (LPG) فراتر از هند نیز حس شده است. کشورهای کمی دارای ذخایر استراتژیک LPG هستند و کل ظرفیت شناخته‌شده ذخیره‌سازی LPG (شامل تأسیسات وارداتی، صادراتی و داخلی تجاری) بین ۱۰ تا ۷۵ روز مصرف ملی متغیر است، با این حال، در زمان بحران نمی‌توان به همه این ذخایر برای تأمین تقاضای محلی دسترسی داشت. با مشخص این آسیب‌پذیری، چندین کشور در آفریقا و آسیای در حال توسعه از جمله رواندا و ویتنام در سال‌های اخیر شروع به گسترش ذخایر داخلی LPG خود کرده بودند. با تداوم بحران کنونی، بسیاری دیگر نیز برنامه‌های مشابهی را در دستور کار قرار دادند.

**آسیب جدی به تأسیسات LPG**

آسیب‌های جدی به تأسیسات مرتبط با LPG در قطر و عمان منجر به کاهش تولید حدود ۱۷۰ هزار بشکه در روز شده‌است. هشت تأسیسات دیگر مرتبط با LPG در منطقه مورد اصابت قرار گرفتند، اما میزان کامل خسارت آنها در این مرحله مشخص نیست. قیمت واردات LPG در تمام معیارهای اصلی در ماه مارس به شدت افزایش یافت و در هند و شرق آفریقا به ۹۰٪ بالاتر از میانگین سال ۲۰۲۵ و در غرب آفریقا به ۷۰٪ بالاتر رسید. جهش قیمت در غرب آفریقا ناشی از کمبود عرضه محلی نبود، زیرا این منطقه تقریباً هیچ LPG از کشورهای خلیج فارس تأمین نمی‌کند، بلکه بازتاب ماهیت جهانی بازارهای LPG است که در آن اختلال عرضه در یک منطقه به سرعت بر قیمت‌ها در مناطق دیگر تأثیری می‌گذارد، بنابراین واردکنندگان آفریقایایی LPG از شوک قیمتی در امان نماندند. این امر مقرون به صرفه بودن LPG را برای خانوارهای کشورهای کمی‌قیمت‌ها در آنها بدون مقررات است. کاهش داده است.

**راه‌حلی بلندمدت وجود ندارد**

بسیاری از پاسخ‌های سیاستی به‌طور فزاینده‌ای با هدف تشویق خانوارها به دور شدن از سوخت‌های وارداتی، به‌ویژه به سمت برق برای پخت‌وپز، طراحی شده‌است، کشورهای مانند هند و اندونزی اقداماتی را برای کاهش هزینه اولیه اجزای‌های برقی معرفی کرده‌اند و شاهد افزایش متناظر در خرید لوازم برقی بودند اما به نظر می‌رسد این راه‌حل‌ها نمی‌تواند به‌عنوان راهکار بلندمدت بحران گاز مایع در دستور کار قرار بگیرد.

■ **شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵** ■ **۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۷** ■ **۲۳ May ۲۰۲۶** ■ **سال دوم** ■ **شماره ۴۶۷**

■ **مدیر مسئول: مهدی مهرپور**

■ **چاپخانه: نگار نقش** ■ **تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲** ■ **روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۹۶۹**

■ **کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۳۳** ■ **آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲**



# صندوق توسعه ملی می‌تواند

# قفل توسعه میادین نفتی را باز کند؟

## گزارش

📰 پس از سال‌ها تأخیر، تغییر پیماناکمر و کمبود سرمایه، توسعه میدان مشترک آزادگان وارد فاز تازه‌ای شده‌است؛ جایی که دولت با انتکا به صندوق توسعه ملی و شبکه بانکی، به دنبال تأمین مالی پروژه‌ای ۱۰ میلیارد دلاری برای افزایش تولید نفت و بحران عقب‌ماندگی ایران در میادین مشترک است.

توسعه میدان مشترک نفتی آزادگان طی حدود دو دهه اخیر، همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های صنعت نفت ایران مطرح بوده؛ میدانی عظیم و راهبردی که به دلیل مشترک بودن با عراق، از منظر اقتصادی و ژئوپلیتیکی اهمیت ویژه‌ای برای کشور دارد. با این حال، با وجود وعده‌های متعدد دولت‌های مختلف، تغییر پیمانکاران، مذاکرات با سرمایه‌گذاران خارجی و تدوین طرح‌های متعدد توسعه‌ای، این میدان هنوز به نقطه مطلوب تولید نرسیده و بخش قابل توجهی از ظرفیت آن بلااستفاده باقی مانده است.

سال‌های گذشته بارها برنامه‌هایی برای افزایش برداشت از میدان آزادگان مطرح شد. حتی در دهه ۹۰ نیز مذاکرات گسترده‌ای با برخی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی انجام گرفت تا از طریق جذب سرمایه و فناوری، روند توسعه این میدان شتاب بگیرد. با این حال مجموعه‌ای از عوامل از جمله محدودیت‌های

مالی، تحریم‌ها، پیچیدگی‌های قراردادی و نبود مدل پایدار تأمین مالی موجب شد تا پروژه توسعه آزادگان با سرعت مورد انتظار پیش نرود.

در این در حالی است که عراق طی همین سال‌ها سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در میادین مشترک انجام داد و توانست بخشی از ظرفیت تولید خود را افزایش دهد. کارشناسان حوزه انرژی همواره هشدار داده‌اند که تعلل در توسعه میادین مشترک، عملاً به معنای واگذاری سهم برداشت به طرف مقابل است؛ موضوعی که درباره آزادگان نیز بارها مورد اشاره قرار گرفته است. اکنون اما به نظر می‌رسد مدل تازه‌ای برای تأمین مالی پروژه‌های بزرگ نفتی در حال شکل‌گیری است؛ مدلی که می‌تواند بخشی از موانع مزمن توسعه میادین را برطرف کند. چندی قبل یک شرکت واسط مالی با مشارکت صندوق توسعه ملی و شبکه بانکی در کنار تشکیل تیم تا مسئولیت راهبری تأمین مالی پروژه توسعه میدان آزادگان را بر عهده بگیرد. هدف از ایجاد این ساختار، تجمع منابع مالی و تسهیل روند سرمایه‌گذاری در پروژه‌ای عنوان شده که سسال‌ها به دلیل کمبود منابع ارزی و ربالی با کندی مواجه بوده است.

بر اساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، در طرح توسعه میدان آزادگان افزایش حدود ۳۱۰ هزار بشکه‌ای تولید نفت در روز هدف‌گذاری شده؛ رقمی که در صورت تحقق، می‌تواند نقش مهمی در افزایش ظرفیت تولید و صادرات نفت کشور ایفا کند. برای اجرای این

با عدم امکان جذب سرمایه خارجی، عملاً در وضعیت رکود قرار گرفته بودند.

نکته قابل توجه آن است که پروژه آزادگان تنها طرح مورد حمایت صندوق توسعه ملی نیست. این صندوق هم‌زمان چند پروژه مهم دیگر را نیز در حوزه افزایش تولید نفت دنبال می‌کند. یکی از این طرح‌ها مربوط به برنامه افزایش ضریب بازیافت و رشد تولید حدود ۲۵۰ هزار بشکه در روز در نزدیک به ۳۰ میدان نفتی فعال کشور است. حجم سرمایه‌گذاری مصوب شورای اقتصاد برای این پروژه حدود ۳ میلیارد دلار اعلام شده که سهم صندوق توسعه ملی از آن حدود ۲۰۴ میلیارد دلار و مابقی بر عهده شرکت ملی نفت ایران است.

بر اساس اطلاعات موجود، تاکنون حدود ۳۰۰ میلیون دلار از سهم صندوق توسعه ملی به این پروژه تزریق شده تا روند اجرایی آن آغاز شود. هدف اصلی این طرح، جلوگیری از افت تولید میادین قدیمی و استفاده از روش‌های نوین برای افزایش برداشت عنوان شده؛ موضوعی که در سال‌های اخیر به یکی از دغدغه‌های اصلی صنعت نفت کشور تبدیل شده است. پروژه مهم دیگر نیز توسعه میدان نفتی چنگوله است؛ میدانی که برنامه افزایش تولید ۶۰ هزار بشکه‌ای برای آن تعریف شده است. حجم سرمایه‌گذاری مصوب شورای اقتصاد در این پروژه حدود ۱٫۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود که سهم صندوق توسعه ملی در آن حدود ۳۵۰ میلیون دلار تعیین شده است. با این حال، هنوز تزریق مالی مشخص و عملیاتی از سوی صندوق در این پروژه انجام نشده و روند اجرایی آن در مراحل ابتدایی قرار دارد.

📰 **مدل جدید تأمین مالی، قفل توسعه میادین نفتی را باز می‌کند؟**

با این وجود مجموعه تحولات اخیر نشان می‌دهد سیاست‌گذار اقتصادی به دنبال طراحی مدل‌های جدید برای تأمین مالی پروژه‌های نفتی است؛ به‌ویژه پس از تصویب برنامه هفتم که اختیارات و مجوزهای تازه‌ای برای سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی در پروژه‌های زیرساختی و بالادستی نفت و گاز در نظر گرفته شد.

به نظر می‌رسد این مجوزهای جدید می‌تواند زمینه‌ساز تحرک جدی‌تری در تأمین سرمایه ارزی موردنیاز میادین نفتی کشور باشد. در شرایطی که جذب سرمایه خارجی همچنان با محدودیت‌های مختلف مواجه است، استفاده از ظرفیت صندوق توسعه ملی و شبکه بانکی می‌تواند بخشی از خلأ سرمایه‌گذاری در صنعت نفت را جبران کند.

با این حال، کارشناسان تأکید دارند موفقیت این مدل جدید، بیش از هر چیز به سرعت اجرای پروژه‌ها، ثبات در تصمیم‌گیری و جلوگیری از تکرار تجربه‌های ناموفق گذشته بستگی دارد؛ چراکه میدان‌هایی مانند آزادگان دیگر فرصتی برای آزمون و خطا ندارند و هزینه تأخیر، هزینه‌های سنگینی برای اقتصاد انرژی کشور به همراه خواهد داشت.

📰 **نیاز وارد گفت‌وگوهای هدفمند شوند. هدف این گفت‌وگوها**

نیاید تنها کاهش تنش باشد؛ باید به سمت تعریف منافع اقتصادی مشترک حرکت کند. کشورهای خلیج فارس نیز از امنیت تنگه هرمز سود می‌برند و بخشی از هزینه بی‌ثباتی منطقه‌ای را برداخت می‌کنند. ایران می‌تواند با این کشورها درباره امنیت متقابل انرژی، سرمایه‌گذاری در بنادر، مناطق آزاد و ویژه، خطوط ریلی، زیرساخت‌های تجاری و مشارکت در زنجیره تولید نفتی همکاری کند. این مسیر اگرچه دشوار است، اما می‌تواند به تدریج تصویر امنیت تنگه هرمز را از وابستگی به حضور آمریکا به سمت توافق‌های منطقه‌ای تغییر دهد.

**تضمین عبور باید مشروط و قابل بازگشت باشد**

در همه این توافق‌ها، تضمین عبور ایمن از تنگه هرمز باید مشروط و قابل بازنگری باشد. ایران می‌تواند تعهد کند پس از بازگشت شرایط تنگه هرمز به حالت عادی، عبور ایمن محموله‌های طرف‌های توافق را تضمین کند؛ اما هم‌زمان باید روشن باشد که هرگونه حمله نظامی تازه، بازگشت محاصره یا مشارکت مستقیم و غیرمستقیم طرف مقابل در اقدام خصمانه علیه ایران، حق تعلیق یا بازنگری در تعهدات تهران را فعال خواهد کرد.

این بندها باید با زبان حقوقی و دیپلماتیک تنظیم شود. ادبیات تهدیدآمیزی می‌تواند کشورها را از توافق دور کند، اما سازوکارهای روشن برای تعلیق تعهدات، هم بایداز رادنگی ایجاد می‌کند و هم برای طرف‌های اقتصادی قابل فهم‌تر است.

**ابتکار دو جانبه چگونه موازنه را تغییر می‌دهد؟**

اثر اصلی این ابتکار، تغییر زمین بازی است. اگر ایران با مجموعه‌ای از کشورها توافق‌های واقعی بسازد، آمریکا دیگر نمی‌تواند بحران تنگه هرمز را تنها به‌عنوان مسئله‌ای میان تهران و واشنگتن مدیریت کند. ادامه فشار و محاصره در مراحل نخست با احتیاط بیشتری حرکت خواهند کرد. چنین شرایطی، به معنای ططمه زدن به منافع چین، هند، برخی کشورهای جنوب آسیا، خریداران بزرگ انرژی و حتی بخشی از کشورهای خلیج فارس خواهد بود.

در این وضعیت، آمریکا همچنان میان دو انتخاب پرهزینه باقی می‌ماند: با باید بخشی از نقش ایران در امنیت تنگه هرمز را بپذیرد و به یک توافق حداقلی تن دهد، یا تلاش را تشدید کند و متحدان خود ببردازد. ابتکار دو جانبه ایران می‌تواند احتمال گزینه نخست را افزایش دهد، چون شبکه‌ای از منافع بین‌المللی را پشت بازگشت نظم جدید به تنگه هرمز قرار می‌دهد.

برای ایران نیز این مسیر فقط ابزار فشار نیست. اقتصاد ایران بخش مهمی از مشکلات خود را از ضعف‌های داخلی می‌گیرد، اما ورود سرمایه، گسترش تجارت رسمی، ایجاد کانال‌های بانکی و تعریف پروژه‌های مشترک می‌تواند بخشی از فشار بیرونی را کاهش دهد و واقعی‌تازه برای توسعه ایجاد کند. اگر این مسیر با برنامه، همراه‌بندی و شناخت دقیق نیاز هر کشور پیش برود، تنگه هرمز می‌تواند از اهرم بحران به پایه یک سیاست فعال اقتصادی و امنیتی تبدیل شود؛ سیاستی که هم آمریکا را عقب‌تر می‌راند و هم برای ایران امکان پیشروی می‌سازد.



📰 **چین و روسیه؛ نقطه آغاز ابتکار ایران**
نخستین گام این مسیر باید با چین و روسیه برداشته شود. این دو کشور هم وزن سیاسی و امنیتی لازم را دارند و هم می‌توانند بخشی از فشارهای مالی، تجاری و فناوری وارد بر ایران را کاهش دهند. اما ایران نباید آن‌ها را تنها در جایگاه میانه‌جی مذاکرات با آمریکا ببیند. یکن و مسکو زمانی برای ایران مفیدتر خواهند بود که خود به طرف توافق‌های مستقل با تهران تبدیل شوند. در رابطه با چین، مسئله فقط خرید نفت با حمایت سیاسی نیست. ایران باید گفت‌وگو با پکن را به سمت بسته‌ای گسترده‌تر ببرد؛ بسته‌ای شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی و حمل‌ونقل، توسعه بنادر، پروژه‌های پتروشیمی، همکاری بیمه‌ای و ایجاد نظام پرداخت رسمی برای مبادلات. تا زمانی که مبادلات اقتصادی ایران و چین در چارچوب‌های پایدار، قابل اتکا و بانکی سازمان پیدا نکنند، ظرفیت این رابطه کمتر از اندازه واقعی آن باقی می‌ماند.

در رابطه با روسیه نیز همکاری باید فراتر از رایزنی سیاسی باشد. مسیرهای حمل‌ونقل، همکاری انرژی، غلات، فناوری هسته‌ای غیرنظامی، تسویه مالی و هماهنگی در نهادها، بین‌المللی می‌تواند بخشی از بسته همکاری ایران و مسکو باشد. روسیه در برخی پرونده‌های امنیتی و هسته‌ای تجربه و جایگاه اثرگذاری دارد، اما این ظرفیت فقط زمانی به سود ایران فعال می‌شود که در قالب توافق‌های مشخص و قابل پیگیری سازمان یابد.

**هند و جنوب آسیا؛ پیوند امنیت انرژی و تجارت رسمی**

پس از چین و روسیه، هند یکی از مهم‌ترین طرف‌هایی است که باید وارد این ابتکار شود. هند به جریان ایمن انرژی از مسیر تنگه هرمز نیاز دارد، اما در عین حال روابط گسترده‌ای با آمریکا، روسیه، کشورهای خلیج فارس و ایران دارد. همین موقعیت چندوجهی، گفت‌وگو با دهلی را حساس‌تر، اما مهم‌تر می‌کند. برای هند، ایران می‌تواند بسته‌ای بر پایه امنیت کشتیرانی، توسعه چاپها، سرمایه‌گذاری در پتروشیمی، تجارت با بازارهای ملی در بسترهای رسمی بانکی و همکاری لجستیکی تعریف